

گفت و گو با مشاور خانواده درباره دلایل کاهش ازدواج

# جوّ ضد ازدواج را بشکنیم



محمد وفایی

روزنامه نگار

مشاوران خانواده به دلیل ماهیت شغلشان با افراد متعدّد و متنوعی روبه رو می شوند که هر کدام از آنها نظرات و جهان بینی خاص خود را نسبت به ازدواج دارند. به همین خاطر شاید روان شناسان بهترین کسانی باشند که می توانند درباره عوامل کاهش ازدواج در کشور صحبت کنند. دکتر مهدی دوائی روان شناس، متخصص تعلیم و تربیت و عضو هیأت علمی دانشگاه در این گفت و گو به بررسی عوامل پایین آمدن نرخ ازدواج می پردازد.

به تازگی یکی از نمایندگان مجلس از کاهش ۴۰ درصدی آمار ازدواج در شش سال گذشته به رغم ثابت ماندن جمعیت افراد آماده ازدواج در کشور خبر داده. به نظر شما مهم ترین دلایل کاهش ازدواج در ایران چیست؟

طبیعتاً وضعیت ناهه سامان اقتصادی واضح ترین عامل این مسأله است و اگر دلایل روانشناختی و جامعه شناختی را بررسی می کنیم، به این معنی نیست که موضوع اقتصادی را مفروض نگرفته ایم. مطمئناً هر قدر وضعیت اقتصادی بهتر شود، انگیزه افراد برای ازدواج هم بالاتر می رود و بالعکس. این دو عامل همبستگی دارند. اما عوامل دیگری هم وجود دارد. ما تحت تأثیر زمینه هایی هستیم که در آن زندگی می کنیم، این نظر «گشتالت درمانگرها» است. زمینه ها باعث بروز و نمود شکل ها می شود. یعنی اگر الان صبح است، ستاره ها در آسمان هستند، فقط چون زمینه روشن است، دیده نمی شوند. همین ستاره ها با تاریک شدن زمینه، آشکار می شوند. جوی که درباره یک موضوع در جامعه ایجاد می شود، بسیار اثرگذار است و هم مردم و هم مسؤولان باید مراقب آن باشند. نباید این طور باشد که مردم به هم بگویند مگر عقلت را از دست داده ای که می خواهی ازدواج کنی؟ این فضا نیاز به مراقبت دارد. همان طور که مثلاً در مدرسه اگر فضا خراب شود، وقتی یک نفر درس بخواند این تبدیل به ضدارزش می شود و بقیه او را تحقیر می کنند.

ولی زمانی که فضا درست باشد، درس خواندن و رقابت در تحصیل یک ارزش محسوب می شود. در مورد ازدواج این اتفاق دارد می افتد. برخی ضرب المثل های ضد ازدواج از قدیم بود، اما امروز با پررنگ شدن مشکلات اقتصادی و اجتماعی، جایگاه

یکی دیگر از مشکلات، بالا رفتن سن ازدواج است. به تأخیر انداختن ازدواج چگونه باعث کاهش آمار نهایی ازدواج می شود؟

ببینید وقتی ما ازدواج را عقب می اندازیم، در نتیجه برانگیختگی برای ازدواج کاهش می یابد. این طور نیست که تشنگی افراد به ازدواج با بالا رفتن سنشان افزایش یابد. اینها رابطه مستقیم ندارند و رابطه شان مانند هوش و خلاقیت است، هر کس باهوش تر است، لزوماً خلاق تر نیست. تا یک جایی حدود ضریب هوشی ۱۳۰، هوش و خلاقیت همبستگی دارند، اما از آنجا به بعد ممکن است خلاقیت همراه با هوش بالا نرود. رابطه سن و ازدواج هم همین است، تا ۲۶-۲۵ سالگی شوق به ازدواج با سن بالا می رود، اما از آن به بعد رابطه معکوس می شود. جوانان و خانواده ها باید مراقب به تأخیر افتادن ازدواج باشند. خیلی از خانواده ها می گویند حالا دیر نمی شود، بگذار لیسانس بگیرد، فوق لیسانس بگیرد و... این باعث کاهش شوق ازدواج می شود. اگر پدر و مادرها دغدغه ازدواج فرزندشان را دارند، نباید او را به دیر ازدواج کردن تشویق کنند. اگر بخواهیم صبر کنیم تا همه شرایط درست شود، دیگر ازدواج فایده چندانی نخواهد داشت. با وجود همه دغدغه ها و گرفتاری ها، تشکیل خانواده باید در زمان خودش انجام شود.



باید جوی ایجاد کنیم که یک جوان فکر نکند ازدواج برخلاف عقل است. مسؤولان هم باید مواظب این فضاها باشند. رسانه ها نیز در این میان نقش مهمی دارند و در ایجاد جو مناسب تأثیرگذار هستند.

اینترنت و فضای مجازی چه نقشی در ازدواج جوانان ایفا می کند؟

به نظر من یکی دیگر از عوامل کاهش ازدواج، گسترش استفاده از فضای مجازی است. فضای مجازی باعث ارضای نیاز می شود. یکی از نیازهایی که باعث برانگیخته شدن افراد به ازدواج می شود، تعلق است. این که من مال تو هستم و تو مال من هستی. این جزو نیازهای آدم هاست. در فضای مجازی این نیاز به صورت کاذب ارضا می شود. فرد فکر می کند دارد این نیاز را با یک نفر برطرف می کند، اما در واقع هر کدام از طرفین متعلق به دو هزار نفر دیگر هم هستند! احتمال از دست دادن کسی که او را در فضای مجازی پیدا می کنید زیاد است و این از دست دادن باعث ایجاد آسیب روانی می شود. چندی پیش پژوهشی انجام دادیم و وضعیت روانی سه گروه را بررسی کردیم؛ کسانی که دوست جنس مخالف دارند، کسانی که دوست جنس مخالف داشتند و الان ندارند و کسانی که دوست جنس مخالف نداشتند و ندارند. فرض تحقیق این بود که گروه اول باید وضعیت روانی بهتری داشته باشد، اما نتیجه تحقیق این بود که از لحاظ دو عامل افسردگی و اضطراب، گروه سوم وضع بهتری از گروه دوم و گروه دوم وضع بهتری از گروه اول داشت. در تبیین یافته ها به این نتیجه رسیدیم که افراد گروه اول به دلیل از دست دادن مداوم حس تعلق، شکست خورده اند و دچار آسیب روانی شده اند.

چه دلایلی برای عقلانیت ازدواج وجود دارد؟

رشد اخلاقی تابعی از رشد عقلانی است. یکی از مواردی که می تواند رشد اخلاقی را ایجاد کند، مدیریت عواطف و هیجان ها با ازدواج است. چه مسائل جنسی و چه مشکلاتی مانند خشم، با ازدواج وضعیت بهتری پیدا می کند. باید مراقبت باشیم در بحث رشد عقلانی جابه جایی ارزش ها صورت نگیرد و به این نتیجه نرسیم که ازدواج نکردن عقلانی است. اگر تعریف عقلانیت عوض شود، نتیجه اش می شود این گزاره که آدم عاقل ازدواج نمی کند. این اتفاق خطرناکی است. آدم عاقل ازدواج می کند، چرا که آرامش باعث رشد عقلانی می شود. ما برآیند چهار پنج نفری هستیم که با آنها زندگی می کنیم و ارتباط نزدیک داریم. اگر تعداد دور و بری هایمان که ازدواج نکرده اند زیاد شود، ما هم مثل آنها می شویم و ازدواج نمی کنیم. اما اگر ازدواج کنند، برانگیختگی من هم برای ازدواج بیشتر می شود.